

مکان‌یابی جرم سرقت منازل با رویکرد پیشگیری وضعی از جرم

تاریخ پذیرش: ۹۳/۷/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۳/۲/۱۳

مسعود مرشدی^۱، محمدحسن جعفریان^۲

از صفحه ۱۳۳ تا ۱۵۴

چکیده

زمینه و هدف: پدیده سرقت امروزه امنیت اجتماعی و اقتصادی شهروندان را تهدید و به نوعی با نظم و امنیت کشور در ارتباط است. در شهرستان خوی نیز بالا بودن نرخ این جرم یکی از دغدغه‌های اصلی مسئولین انتظامی و امنیتی محسوب می‌شود. بدین منظور، شناخت اصولی رفتار مکانی مجرمان مختلف به لحاظ ویژگی‌های فردی و تأثیر عامل زمان و مکان در انتخاب نوع جرم، از جمله اهداف اصلی پژوهش حاضر است.

روش‌شناسی: پژوهش حاضر از نظر نوع هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، پس‌رویدادی-توصیفی است و روش تحقیق به صورت پیمایشی بوده که جامعه آماری آن شامل کلیه کارکنان معاونت آگاهی و دواير پیشگیری کلانتری‌های سطح حوزه استحفاظی شهر خوی است.

یافته‌ها: در نهایت با تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده، فرضیه سوم (رابطه بین موقعیت زمانی ارتکاب جرم و انتخاب مکان سرقت) با میانگین ۸۸/۶ در اولویت اول، فرضیه اول (وجود رابطه بین شرایط محیطی محل ارتکاب جرم و انتخاب مکان جرم) با میانگین ۸۵/۵ در اولویت دوم، فرضیه چهارم (شاخص خصوصیات و ویژگی‌های فردی سارقین) با میانگین ۸۱/۳ در اولویت سوم و فرضیه دوم (شاخص طرح و نقشه‌های قبلی سارقین) در اولویت چهارم با میانگین ۸۰/۹ به لحاظ بیشترین تأثیرگذاری را بر انتخاب مکان جرم داشته‌اند.

نتیجه‌گیری: با برنامه‌ریزی اصولی و مدیریت مناسب محیط فیزیکی توسط معماران و طراحان شهری از یک طرف می‌توان باعث افزایش نظارت اجتماعی در مناطق خلوت شهر و از طرف دیگر باعث کاهش تراکم جمعیت و فعالیت‌ها در بخش‌های متراکم شهر شده و در نهایت از بروز سرقت پیشگیری کرد.

واژه‌های کلیدی: سرقت، سرقت منزل، پیشگیری وضعی از جرم، محیط فیزیکی، مکان جرم، شهرستان خوی

۱. مربی دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول)، massuod.morshedy@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین

در هر جامعه‌ای وقوع جرم آفت بزرگ اجتماعی است و افزایش ارتکاب بیش از اندازه جرایم، مخصوصاً جرایم خشونت بار توسط بزهکاران از مصادیق بارز ناامنی است و این امر سبب می‌شود که در بین مردم چهره دولت و اقتدار پلیس به شدت تضعیف شود. ارکان اصلی هر بزهکاری سه عامل جرم و مجرم و بزه دیده است، بنابراین برای پیشگیری از جرایم ضروری است که هر سه عامل فوق هم زمان مدنظر قرار گیرند و با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی و فرهنگی و... مطالعه و بررسی شوند، منزل مکانی است که فرد، جسم، جان، شرف و ناموس خود را در آن حرز می‌گذارد و همه اسرار و رموز پنهانی زندگی وی در آن قرار داده در صورتی که این حرز بشکند، فرد به طور کامل احساس ناامنی خواهد کرد. از طرف دیگر در بین سرقت‌ها، سرقت منزل به لحاظ حساسیتی که دارد سریعاً اذهان عمومی را مشوش کرده و جو ناامنی و بی‌اعتمادی آحاد مردم را نسبت به پلیس نشان می‌دهد (شعبانی، ۱۳۸۵: ۳).

بنابراین ضرورت دارد که برای شناسایی این عوامل و نقش آنها در وقوع جرم و بزه کاری اقدام شود تا ضمن حذف برخی از این شرایط، برنامه کنترلی مناسب‌تری در حوزه ماموریتی تهیه شود، به نحوی که نظارت و کنترل پلیس بر مجرمین آسانتر و شرایط اجتماعی برای ارتکاب جرم دشوارتر شود (توکلی، ۱۳۸۴: ۹).

تحقیق حاضر نیز در راستای تحقق بخشیدن به این هدف انجام گرفته است تا بتواند با ارائه راهکارهای مناسب، نرخ ارتکاب جرم سرقت از منازل را به عنوان یکی از ناهنجاری‌های اجتماعی کاهش دهد. ضرورت انجام این تحقیق از چند جنبه قابل تأمل است، از جنبه نظری این تحقیق به پیشرفت تخصصی در زمینه پیشگیری از جرم و جنایت از طریق پیشگیری مکانی و طراحی محیطی کمک می‌کند. از آنجا که تحقیق حاضر با تکیه بر مبانی نظری موجود در جهان بینی پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی و برنامه‌ریزی انجام می‌گیرد، به نوبه خود باعث توسعه مبانی نظری موضوع فوق می‌شود، موضوعی که در ادبیات برنامه‌ریزی شهری کشور کمتر بدان پرداخته شده است. ضرورت دیگر تحقیق، مشکلات مربوط به رشد لجام گسیخته شهر خوی، ناموزونی و عدم تعادل نظام برنامه‌ریزی شهری با هدف کاهش نرخ جرایم در این شهر می‌باشد و علاوه بر این طی چند سال اخیر مهاجرت‌های بسیاری به این شهر صورت گرفته است و

جمعیت آن را به میزان قابل توجهی افزایش داده است و موجب مسائل و مشکلات متعددی شده است. از جمله این مشکلات عدم توازن بین جمعیت و امکانات موجود در شهر، تراکم بالای جمعیت، کمبود مسکن، مشکل آمد و شد، افزایش حاشیه‌نشینی و از همه مهمتر افزایش میزان جرایم و کجروی‌های اجتماعی در آن است. بر همین اساس و با توجه به اهمیت جرم سرقت منزل در میزان احساس امنیت شهروندان، در این تحقیق به دنبال مکان‌یابی جرم سرقت منازل با رویکرد پیشگیری وضعی از جرم می‌باشیم.

بیان مسئله

یکی از مسائلی که امروزه شهرهای بزرگ با آن مواجه هستند، رشد بی‌رویه جمعیت و به تبع آن رشد بزه کاری در آنها است که به دغدغه مهم مسئولان و تصمیم‌گیران امور امنیتی و انتظامی تبدیل شده است. پدیده سرقت، امروزه امنیت اجتماعی - اقتصادی شهروندان را تهدید و به نوعی با نظم و امنیت کشور در ارتباط است. بنابراین باعث ایجاد ناامنی در جامعه می‌گردد و لطمات روحی و جسمی که شهروندان و یا به اصطلاح مال باختگان از این رهگذر متحمل می‌شوند، حتی بعد از کشف سرقت و دستگیری سارق یا سارقین تا مدت‌های مدیدی مرتفع نخواهد شد. پیشگیری از وقوع سرقت و دیگر جرایم از وظایف اساسی و عمده نیروی انتظامی است و انتظارات مردم در زمینه‌ی پیشگیری از جرایم خصوصاً سرقت منازل در سطح وسیعی است و مردم عملکرد نیروی انتظامی را در برقراری امنیت و جلوگیری از جرایم و به ویژه سرقت منازل ارزیابی می‌نمایند.

ساختار مکانی و خصوصیات رفتاری در کنار عامل زمان موجب می‌شود تا توزیع زمانی - فضایی جرایم در محدوده شهرها یکسان نباشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مجرمین در ارتکاب جرم اغلب دست به انتخاب‌های کاملاً منطقی می‌زنند و به دنبال ساده‌ترین، کم‌خطرترین و مناسب‌ترین فرصت‌ها و شرایط برای ارتکاب جرم هستند، بنابراین در محدوده شهرها مناسب‌ترین محل را برای انجام عمل مجرمانه خود بر می‌گزینند. در پیشگیری وضعی از جرایم با شناخت رابطه بین نوع و میزان جرم و ویژگی‌های مکانی و محیطی محل وقوع جرم و همچنین مدنظر قرار دادن بزهکار و بزه دیده، تمرکز بر روی برنامه‌هایی است که با اصلاح محیط فیزیکی و رفتارهای اجتماعی و

شخصی، سعی می‌شود با طرح محیط فیزیکی جدید و تغییر در رفتارهای اجتماعی و شخصی، فرصت ارتکاب جرم از مجرمان گرفته شود. بدیهی است این امر بدون بهره‌برداری از اصول علمی و اساسی پیشگیری از وقوع جرایم به ویژه سرقت منازل امکان‌پذیر نمی‌باشد.

شهر خوی به دلیل موقعیت خاص خود در منطقه و استان آذربایجان غربی طی دو دهه اخیر دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سریعی را تجربه کرده است. علاوه بر این طی چند سال اخیر مهاجرت‌های بسیاری به این شهر صورت گرفته است و جمعیت آن را به میزان قابل توجهی افزایش داده و موجب مسائل و مشکلات متعددی شده است.

با عنایت به موارد ذکر شده، سرقت منازل در شهرستان خوی بالاترین نرخ وقوع را دارد و هر ساله نیز این روند رو به رشد است و نیز از آن جهت که حرز خانوادگی افراد را تهدید می‌کند، بنابراین از مصادیق بارز ناامنی محسوب می‌گردد و همچنین براساس آمار موجود در معاونت آگاهی و مرفوک شهرستان از تعداد کل وقوع سرقت یعنی تعداد ۳۷۲ فقره سرقت در سال ۱۳۹۱، تعداد ۱۶۸ فقره مربوط به سرقت منازل می‌باشد که رتبه دوم را بعد از سرقت وسایل نقلیه به ویژه موتور سیکلت به خود اختصاص داده است. بنابراین شناسایی علل اتفاق افتادن این نوع از سرقت و روش‌های جلوگیری از آنها از جمله مسائل نیروی انتظامی در شهرستان خوی است.

با توجه به اینکه تحقیق حاضر به بررسی عوامل مؤثر در انتخاب مکان جرم از سوی سارقین منازل در شهرستان خوی می‌پردازد و از طرفی رویکرد تحقیق مذکور پیشگیری وضعی از جرم (پیشگیری مکانی) می‌باشد، بنابراین محقق می‌کوشد به سؤالات زیر پاسخ دهد:

الف) سؤال اصلی:

چه عواملی در انتخاب مکان ارتکاب جرم از سوی سارقین منازل مؤثر می‌باشد؟

ب) سؤالات فرعی:

۱. آیا شرایط محیطی محل وقوع جرم در انتخاب مکان ارتکاب جرم سرقت از منازل تأثیرگذار است؟
۲. آیا سارقین منازل برای انتخاب مکان ارتکاب جرم از طرح و نقشه‌های قبلی

بهره‌گیری می‌کنند؟

۳. آیا سارقین منازل برای انتخاب مکان ارتکاب جرم به عامل زمان توجه دارند؟

۴. آیا خصوصیات و ویژگی‌های فردی سارقین منازل بر نحوه انتخاب مکان ارتکاب جرم از سوی آنان مؤثر است؟

۱۳۷

مبانی نظری

رابطه مکان و جرم از مقوله‌هایی است که همواره مدنظر افسران پلیس و جرم‌شناسان بوده است. در حوزه جغرافیایی جرم که مجموعه‌ای از روش‌های مطالعه محیطی جرم است و پراکندگی مکانی و زمانی جرایم مختلف را در محدوده‌های جغرافیایی مورد بررسی قرار می‌دهد تا از این طریق به کشف الگوهای رفتار مکانی مجرمین دست یابد و با رویکرد پیشگیری مکان‌محور نسبت به حل مشکلات اقدام کند، بنابراین رویکرد جغرافیایی جرم یک رویکرد محیطی یا پیشگیری وضعی است (جعفریان، ۱۳۸۶: ۲۷).

هر جرم به وسیله انسان در مقطع زمانی خاص رخ می‌دهد و به عبارتی تمامی ناهنجاری‌های اجتماعی به هر صورتی که انجام شوند، دارای ظرف مکانی و زمانی منحصر به فردی است که آن را از دیگر رفتارها متمایز می‌کند. نکته حائز اهمیت آن است که تفاوت در شرایط مکانی و خصوصیات رفتاری و در کنار عامل زمان باعث می‌شود تا جرم و جنایت در واحد مکان، توزیع فضایی یکسانی نداشته باشد.

همچنین هر جرمی دارای دو بُعد افقی (بعد محیطی یا کجایی جرم) که ناظر بر محل و مکان وقوع جرم است که الگوهای رفتار مکانی مجرمان را بررسی می‌کند و دیگری بُعد عمودی آن که بیشتر پیرامون سایر مسائل مانند نوع جرم و مجرم، آماج‌ها و... بحث می‌کند. به عبارت بهتر، جرم (سرقت) یک پدیده مکان مرجع است و با هر شکل و حالت و از هر نوعی که باشد در یک مکان به وقوع می‌پیوندد (جعفریان، ۱۳۸۶: ۶۸).

طبق پیشگیری مکان‌محور، جرم‌شناسان معتقدند که جرم‌شناسی محیطی، مکان‌محور بوده و رویکرد انتظامی دارد، بنابراین بیشتر مورد استفاده پلیس قرار می‌گیرد، از طرفی یک نوع جنبه غیرکیفری نیز دارد و تلاش دارد که با ایجاد تغییرات گوناگون در محیط باعث عدم وقوع جرم بشود.

مفهوم پیشگیری از جرم (تعریف نظری):

پیشگیری یک مفهوم کلی است و به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که برای پیشگیری و جلوگیری از فعل و انفعالات زیان‌آور محتمل بر فرد به عمل می‌آید. هدف پیشگیری از جرم، کنترل اعمال مجرمانه است و در کنترل اعمال مجرمانه، اصلاح و بازداشتن مجرم، حفاظت از بزه دیده و جامعه مدنظر است (گل محمدی خامنه، ۱۳۸۶: ۳).

تعریف عملیاتی پیشگیری از سرقت:

مجموعه گام‌هایی شامل جلوگیری از بزه دیدگی مردم و سخت کردن وقوع سرقت منزل و دستگیری سارق منزل که موجب کاهش وقوع سرقت منزل می‌گردد، پیشگیری از سرقت منزل نام دارد.

انواع پیشگیری از جرم:

در یک تقسیم‌بندی کلی و با توجه به مطالب ذکر شده، پیشگیری از وقوع جرم را در دو دسته مورد بحث قرار می‌دهند که عبارت از پیش‌گیری کیفری از جرم و پیش‌گیری غیر کیفری از جرم است. پیشگیری غیر کیفری شامل؛ پیشگیری اجتماعی، پیشگیری زودرس و پیشگیری وضعی است (نسل، ۱۳۸۶: ۳۰۸) که در ادامه با توجه به موضوع تحقیق به پیش‌گیری وضعی پرداخته شده است.

روش‌های پیشگیری وضعی از جرم:

کلارک دوازده روش را برای طراحان پیشگیری وضعی از جرم برشمرده و هر یک از آنها را می‌توان در قالب سه گروه زیر قرار داد.

۱) دشوار نمودن ارتکاب جرم: این روش متکی بر کاهش فرصت‌های جرم از جانب مجرم است. روش حمایت و حفاظت از آماج‌های جرم سعی دارد با استفاده از موانع فیزیکی و غیر فیزیکی سبب محدود شدن فعالیت‌های مجرمین بالقوه شود.

گام اول: شناسایی آماج‌های جرم (انسانی و مادی):

گام دوم: حمایت و حفاظت از آماج‌ها (با مشارکت مردم).

۱- حمایت‌های فنی از آماج‌ها و بهره‌گیری از آژیرهای خطر دوربین‌های مدار بسته، آیفون‌های تصویری، بهره‌گیری از نرده، حفاظ و...

۲- آرایه طرح‌های انتظامی، حفاظتی برای فروشگاه‌ها، مجتمع‌های مسکونی؛ استادیوم‌ها

که دسترسی مجرم‌ها را به اهداف خود مشکل‌تر کند.

۳- ارائه کارهای فرهنگی برای تغییر رفتارها برای اجتناب از خطر و کنترل خطر.

گام سوم: حذف و کنترل وسیله‌ها و ادوات جرم

گام چهارم: آموزش‌های عمومی و ارائه هشدارهای انتظامی (گل محمدی خامنه، ۱۳۸۶: ۱۴۸).

۲) **افزایش خطر ارتکاب جرم:** هدف نهایی پیشگیری وضعی، اتخاذ تدابیری است که بهای عمل مجرمانه بیش از سود حاصل آن شود. شاخص‌های روش مذکور شامل؛ مراقبت‌های غیررسمی، مراقبت‌های رسمی و طبیعی است.

۳) **کاهش جاذبه آماج‌ها:** براین اساس تقلیل میزان درآمد و سود و مزایای حاصله از ارتکاب جرم برای مجرمین مطرح است، به نحوی که مجرم دیگر تمایلی به ارتکاب جرم نداشته باشد. چرا که امکان بهره‌برداری و انتفاع از آن آماج برای او به حداقل رسیده و یا مقدور نمی‌باشد (همان منبع: ۱۵۳).

پیشینه تحقیق

در زمینه جرم و پدیده سرقت تاکنون مطالعات زیادی توسط افراد، گروه‌ها، مکاتب و مؤسسات مختلف صورت گرفته است، اما بررسی به عمل آمده از مراکز علمی و پژوهشی، به ویژه پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران، وابسته به وزارت علوم و تحقیقات و فناوری مشخص شد که هیچ تحقیقی در خصوص بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب مکان ارتکاب جرم از سوی سارقین منزل در شهرستان خوی به ثبت نرسیده و تحقیقی صورت نگرفته است، با این حال به تحقیقاتی که مرتبط با موضوع پژوهشی صورت گرفته، اشاره‌ای گذرا می‌شود.

ریسی و انانی (۱۳۸۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی اثربخشی آموزش‌های همگانی پلیس در پیشگیری از سرقت منازل شهر کرد» که با روش پس رویدادی و جامعه‌آماری ۲۳۰۰۰ نفر و نمونه ۲۶۶ نفر از خانوارهای شهر کرد انجام شده است، به این نتیجه دست یافت که؛ آموزش همگانی نیروی انتظامی، قابلیت و توانایی لازم برای تغییر یا بروز رفتار مناسب دارا است که از طریق رسانه‌ها و ابزار اثرگذاری در

چارچوب ویژگی‌های فرهنگی مخاطبان ارایه شده است، توانسته است از میزان دستبرد سارقان از منازل شهرکرد بکاهد. در میان شیوه‌های مختلف آموزش‌های ارایه شده بیشترین تأثیر را برنامه‌های تلویزیونی و بعد از آن اطلاعیه‌های نوشتاری داشته است. توکلی مهدی (۱۳۸۴) در پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان؛ «شناسایی و تحلیل کانونهای جرم خیز شهر زنجان با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)» که با روش پس رویدادی - علی و جامعه آماری تعداد ۳۷۵۶ فقره پرونده سرقت از تاریخ ۸۳/۱/۱ تا ۸۳/۱۲/۳۰ در شهر زنجان انجام شده است، به این نتیجه دست یافت که؛ بیشترین فراوانی مربوطه به مصرف مواد مخدر، نزاع و درگیری، قاچاق مواد مخدر و کمترین میزان مربوط به جرم قتل نفس می‌باشد. توزیع جغرافیایی جرایم در سطح شهر نشان می‌دهد که منطقه اسلام آباد (صفرآباد) با ۱۳ کانون و منطقه بی‌سیم با ۱۱ کانون بزهکاری مهمترین کانون‌های جرم‌خیز شهر زنجان می‌باشند.

کردلو (۱۳۸۴) در پایان نامه کارشناسی ارشد تحت عنوان «نقش کاربری اراضی شهری در پیشگیری از جرم (مطالعه موردی شهر ابهر سرقت در سال ۱۳۸۴)» که با روش پس رویدادی - توصیفی و به‌صورت پیمایشی و جامعه آماری تعداد ۱۰۹ سارق انجام شده است، به این نتیجه دست یافت که؛ سرقت موتور سیکلت بیشترین فراوانی را در بین انواع سرقت‌ها به خود اختصاص داده است. به عبارت دیگر، ۴۴ درصد از مجموع سرقت‌ها مربوط به شاخص موتور سیکلت می‌باشد. در سرجمع وقوع سرقتها شاخص منازل مسکونی ۱۵/۶ درصد را به خود اختصاص داده است که بیشترین میزان سرقت‌های منزل در نقاط مسکونی شهر از جمله؛ شهرک فرهنگیان، شهرک کارمندان گلشهر واقع در نواحی ۴ و ۱۰ انجام گرفته است. همچنین سرقت در شاخص اتومبیل از مجموع سرقت‌های شهر ۵/۶ درصد را تشکیل می‌دهد که بیشترین آن از حاشیه خیابان‌های اصلی و فرعی شهر، همچنین از مقابل منازل مسکونی صورت گرفته است. از دلایل مهم این امر بافت قدیمی بخش مرکزی و باریک بودن کوچه‌ها می‌باشد.

چارچوب نظری

در تبیین علل و عوامل وقوع جرم تاکنون نظریات مختلفی ارائه شده است. یکی از نظریه‌هایی که در چند دهه اخیر در جرم‌شناسی ظهور پیدا کرده است، نظریه فرصت

جرم است. تفکر حاکم بر این نظریه آن است که به صرف وجود بزه‌کار و بزه دیده، جرم واقع نمی‌شود، بلکه باید فرصت و موقعیت مناسب برای ارتکاب جرم نیز فراهم باشد. این همان امری است که ما در فلسفه تحت عنوان فراهم بودن مقتضیات و فقدان موانع می‌شناسیم.

پس نظریه فرصت از نقش مثبت شرایط زمینه‌ساز وقوع جرم و نقش منفی عوامل مانع وقوع جرم، صحبت می‌کند و مدعی است که افزایش فرصت‌های ارتکاب جرم، احتمال وقوع جرایم را هم افزایش داده و بر عکس کاهش فرصت‌های ارتکاب، احتمال وقوع جرایم را تقلیل می‌دهد (محمد نسل، ۱۳۸۶: ۳۱۱).

در بررسی مبانی نظریه فرصت، سه دیدگاه معروف تبیین جرم؛ دیدگاه فعالیت روزمره، دیدگاه الگوی جرم و دیدگاه انتخاب معقول؛ ارتکاب جرم را از زاویه‌ای بررسی کرده و نهایتاً هم به این نقطه مشترک رسیده‌اند که فرصت‌های جرم اهمیت فراوانی در وقوع جرم یا پیشگیری از آن دارند. در این پژوهش مبنا و پایه اساسی چارچوب نظریه تحقیق، نظریه انتخاب منطقی (عقلایی) می‌باشد. بنابراین برای شناخت بیشتر مبانی نظریه فرصت جرم، ابتدا ویژگی‌های دیدگاه مذکور را مورد بررسی اجمالی قرار می‌دهیم.

نظریه فعالیت روزمره

نظریه فعالیت روزمره در سال ۱۹۷۹ توسط کوهن^۳ و نلسون^۴ مطرح شد، مکان در این نظریه شرط لازم و اساسی است. بر اساس این نظریه، محیط شرایط مناسبی را برای بروز جرم ایجاد می‌کند و افراد بزه‌کار را به اهداف دلخواه برای ارتکاب جرم ترغیب می‌کند، در نظریه فعالیت‌های روزانه برای بروز جرم، وجود چهار شرط؛ شخص مجرم، هدف مورد نظر مجرمین، همگرایی مجرم و هدف در یک مکان و زمان مشخص و در نهایت عدم حضور کنترل‌کنندگان یا ناظران لازم و ضروری است. همگرایی این عوامل در یک مکان ویژه باعث بروز جرایم خاص می‌شود (کلارک، ۱۹۹۷: ۵).

بر اساس این نظریه، در بستر مکان و با وجود این شرایط ارتکاب جرم تسهیل می‌شود. یکی از طریق خصوصیات فیزیکی مکان از جمله کمبود ظرفیت‌های کنترل اجتماعی و دیگری تحت تأثیر فعالیت‌های روزانه و رفتارهایی که مردم از خود بروز می‌دهند. در واقع افراد اجتماع در حین انجام فعالیت‌های روزانه فرصت‌هایی را برای

ارتکاب جرم پدید می‌آورند و یا به عبارتی فرصت‌هایی را برای انجام اعمال مجرمانه به مجرمین می‌دهند. باز گذاشتن درب منزل هنگام خروج از منزل و یا ترک خودرو بدون قفل کردن آن از جمله این فرصت‌ها است (کردلو، ۱۳۸۶: ۵۰).

علاوه بر این، نظریه فعالیت روزمره به عامل زمان تأکید خاصی دارد. توزیع زمانی جرم در ساعات شبانه روز و روزهای هفته متغییر است. مثلاً سرقت از منازل بیشتر در روزهای آخر هفته و روزهای تعطیل رخ می‌دهد و یا به هنگام شب سرقت از مراکز اداری به دلیل تعطیل بودن بیشتر از روز صورت می‌گیرد. همچنین برخی از فعالیت‌های افراد را به انجام اعمال مجرمانه ترغیب می‌کنند. مثلاً مراکز تجاری با فعالیت‌های مختلف و متراکم، احتمال جرم سرقت را افزایش می‌دهد یا محل‌های خرید و فروش یا مصرف الکل و مواد مخدر در بروز سطوح بالاتری از خشونت و جرم مردم مؤثر هستند (کوهن، ۲۰۰۰: ۱۱).

نظریه فعالیت روزمره بر این نکته تأکید می‌کند که تغییرات در جامعه و فعالیت‌های مختلف ساکنین در طول شبانه‌روز یا روزهای هفته و یا ماه‌های سال و از جمله تغییر در الگوی سال یا اوقات فراغت با توجه خاص به زمان می‌تواند منجر به تغییرات اساسی در میزان فرصت‌های جرم و اعمال مجرمانه شود (کلارک، ۱۹۹۷: ۱۳).

نظریه انتخاب منطقی

نظریه انتخاب منطقی توسط کلارک و کورنیش در سال ۱۹۸۶ ارائه شد، آنها سعی داشتند جرم را از دید بزهکاری ارزیابی کنند و به دنبال یافتن پاسخ به این سؤالات بودند که چرا هر یک از مجرمین به انجام جرم خاصی گرایش دارند؟ مجرمین با ارتکاب جرم در جستجوی چه هستند و هدف آنها از ارتکاب جرم چیست؟ و منافع ناشی از یک عمل مجرمانه را چگونه ارزیابی و ارزش‌گذاری می‌کنند؟

بنابراین نظریه انتخاب منطقی با طرز تفکر مجرمین سر و کار دارد؛ اینکه بزهکاران چگونه فرصت‌های مجرمانه را ارزیابی می‌کنند و چرا تصمیم می‌گیرند که اهدافشان را از طریق انجام اعمال مجرمانه به دست بیاورند. بر اساس این نظریه، بزهکاران با ارتکاب جرم به دنبال منافع خاص هستند و در مکان‌هایی که منافع بیشتری را به دست آورند، مرتکب جرم می‌شوند. انتخاب مکان‌های خاص برای انجام رفتارهای نامشروع بستگی به

فرصت‌ها و منافع دارد که محیط در اختیار مجرم قرار می‌دهد. معمولاً افراد بزهکار مکان‌هایی را برای اعمال غیر قانونی خود انتخاب می‌کنند که فواید ناشی از ارتکاب آن بیشتر از خطر و تلاش انجام آن باشد.

دیدگاه انتخاب معقول، تلاش دارد دنیا را از منظر بزهکارن ببیند. این نظریه به دنبال درک آن است که چگونه بزهکار، ارتکاب جرم را انتخاب می‌کند و این تصور را از بزهکار دارد که وی پیش از عمل تفکر می‌کند (ولو برای چند لحظه) و حداقل برخی از منافع و هزینه‌های ارتکاب بزه را محاسبه می‌کند. معمولاً محاسبات بزهکاران مبتنی بر امور آشکارتر و فوری‌تر است و عموماً از هزینه‌ها و منافع دور دست غافل می‌شوند. بر همین اساس، بزهکاران عادی توجه بسیار کمی به مجازات احتمالی یا صدمات درازمدت جرم یا خطر دستگیری در محل ارتکاب جرم، معطوف می‌کنند (محمد نسل، ۱۳۸۶: ۳۱۱). در این نظریه چهار اصل احتمال انتخاب‌های مجرمانه در نظر گرفته شده است.

الف- محدود کردن راه‌های دستیابی به اهداف مجرمانه: با کنترل بیشتر بر عوامل تسهیل‌کننده ارتکاب جرم و سعی در از بین بردن فرصت‌های بزهکاری، می‌توان از میزان ناهنجاری کاست. به عبارتی دیگر چنانچه راه‌های دستیابی به اهداف مجرمانه محدود شود، مجرم برای عمل مجرمانه خود ناگزیر به تلاش غیر متعارف و بیش از حد می‌شود و در بیشتر موارد از این عمل صرف‌نظر خواهد کرد.

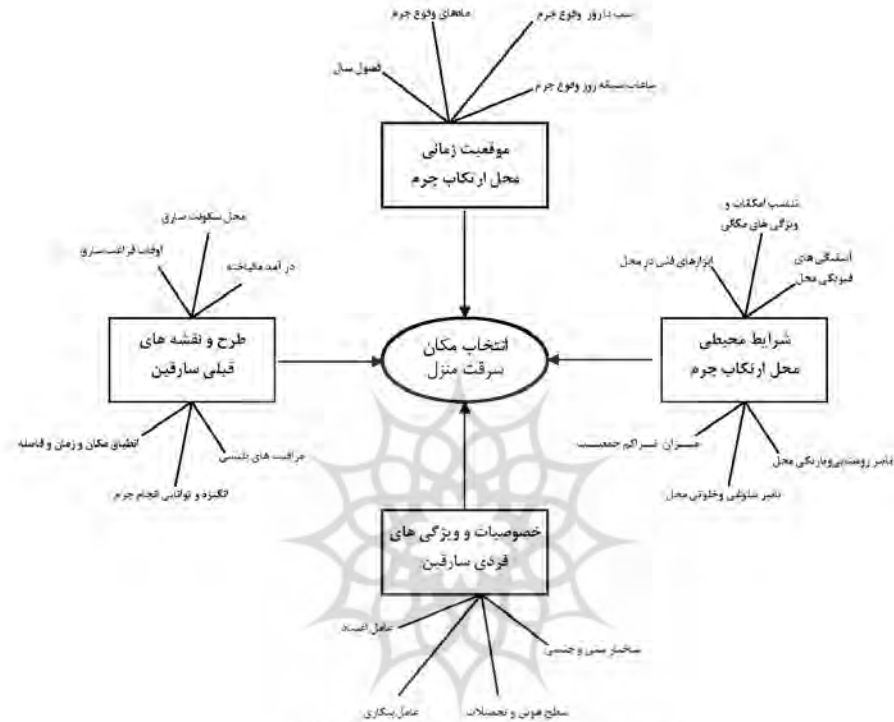
ب- افزایش احتمال خطر برای ارتکاب بزهکاری: با به حداکثر رساندن نظارت طبیعی در فضاهای شهری، احتمال شناسایی و دستگیری مجرمان افزایش می‌یابد. بدین ترتیب وقتی احتمال خطر فزونی یابد، مجرمین انگیزه کمتری برای ارتکاب جرم خواهند داشت و میزان بزهکاری کاهش می‌یابد.

ج- کاهش منافع ارتکاب جرم: یکی از دلایل مهم برای رفتار مجرمانه، دستیابی به منافع است که از این عمل حاصل می‌شود. به عبارت دیگر افراد به دلیل منافع ناشی از اعمال مجرمانه، مرتکب جرم می‌شوند. اگر این منافع و فرصت‌ها از مجرمین گرفته و یا میزان آن کمتر شود، نرخ جرایم کاهش خواهد یافت.

د- تدوین ضوابط مناسب برای پیشگیری از جرم: تدوین یا تصویب قوانین قاطع و محکم، ابزار مناسبی است که می‌تواند از وقوع بسیاری جرایم جلوگیری به عمل آورد (کلارک، ۱۹۹۷: ۲۰).

مدل تحلیلی تحقیق

به استناد مبانی نظری تحقیق و فرضیات مستخرج از آن به منظور تبیین عوامل مؤثر در انتخاب مکان ارتکاب جرم از سوی سارقین منازل، مدل تحلیل زیر ارائه می‌شود.



روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نظر نوع و هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، پس‌رویدادی - توصیفی است. برای تدوین ادبیات موضوع، مباحث نظری تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و بررسی اسنادی اقدام شد. بدین صورت که با مطالعه متون، مقاله‌ها، کتاب‌ها و منابع مربوط به پیشگیری وضعی از سرقت منازل، اطلاعات مورد نیاز با استفاده از روش فیش‌برداری جمع‌آوری شد، سپس با استفاده از پرسشنامه، نظریات جامعه آماری جمع‌آوری شد و مورد سنجش قرار گرفت. جمعیت آماری این تحقیق شامل کارکنان معاونت آگاهی و دوایر پیشگیری کلانتری‌های سطح شهرستان خوی که هر یک از این افراد به طور مستقیم در مشاغل مرتبط با پیشگیری و برخورد با جرم

سرقت منزل، از نزدیک دخیل بوده‌اند و با شگردهای سارقین و چگونگی وقوع سرقت و علل و انگیزه‌های مربوطه آشنایی کامل دارند، است.

یافته‌های تحقیق:

همان‌گونه که گفته شد، جمع‌آوری داده‌ها از کارکنان معاونت آگاهی و دوایر پیشگیری کلاتری‌ها که به‌طور مستقیم در مشاغل مرتبط با پیشگیری و برخورد با جرم سرقت منزل از نزدیک دخیل بوده و با شیوه و شگردهای سارقین و چگونگی وقوع سرقت و علل و انگیزه‌های مربوطه آشنایی کامل داشتند و همچنین سارقینی (زندانیانی) که در محدوده شهرستان خوی و در مدت زمان تحقیق مرتکب جرم سرقت منزل شده‌اند، صورت گرفته است.

نقشه توزیع مکانی جرم سرقت در شهر خوی - شاخص منزل



برابر نقشه فوق، سرقت منزل بیشتر در خیابان‌های بیست متری جانبازان، احمدنیا و بلوار ولی عصر رخ داده است. در بررسی آماری، سرقت منزل ۳۵ درصد از کل سرقت‌ها

را به خود اختصاص داده است از جمله دلایل وقوع این جرم را می‌توان به رها کردن منزل و رعایت نکردن شرایط ایمنی و آسان بودن این نوع جرم با توجه به اینکه عموماً در غیاب مال باخته انجام می‌شود، اشاره کرد. با توجه به نوع پراکنش محل وقوع سرقت منزل در سطح شهر، بیشتر در محلات مسکونی شهر روی داده است، زیرا در بخش مرکزی شهر بیشتر کاربری تجاری، اداری و خدماتی وجود دارد و کاربری مسکونی در آن کمتر از سایر کاربری‌ها است.

آنچه مسلم است، شرایط محیطی یکی از دلایل اصلی این گونه سرقت در نقاط یاد شده می‌باشد که عدم توجه به پیشگیری وضعی به ویژه طراحی محیطی و عدم توجه به توزیع بهینه انواع کاربری‌ها جهت جذب افراد و در نهایت، نبود نظارت جامعه و حضور پر رنگ پلیس در این مناطق از دلایل عمده وقوع جرم مذکور می‌باشد.

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

- محدوده سنی گروه کارکنان مورد مطالعه بین ۲۰ تا ۴۸ سال می‌باشد که بالاترین گروه پاسخ دهندگان، در گروه سنی بین ۳۰-۲۶ و کمترین آنها در گروه سنی ۴۸-۴۶ قرار دارند.

- تعداد ۲۸ نفر (معادل ۳۸/۳۵ درصد) از کارکنان دارای تحصیلات زیر دیپلم و دیپلم و سایر آنان دارای تحصیلات کاردانی به بالا می‌باشند که معادل ۶۱/۶۴ درصد می‌باشد. - در این پژوهش تعداد ۶۸ نفر معادل ۹۲/۵ درصد از گروه کارکنان، متأهل بوده و تعداد ۵ نفر، معادل ۷/۵ درصد مجرد می‌باشد.

- از تعداد کل پاسخ‌دهندگان معادل ۱۷ درصد افسر ارشد، ۴۹ درصد افسر جزء، ۳۴ درصد درجه‌دار را تشکیل می‌دهد.

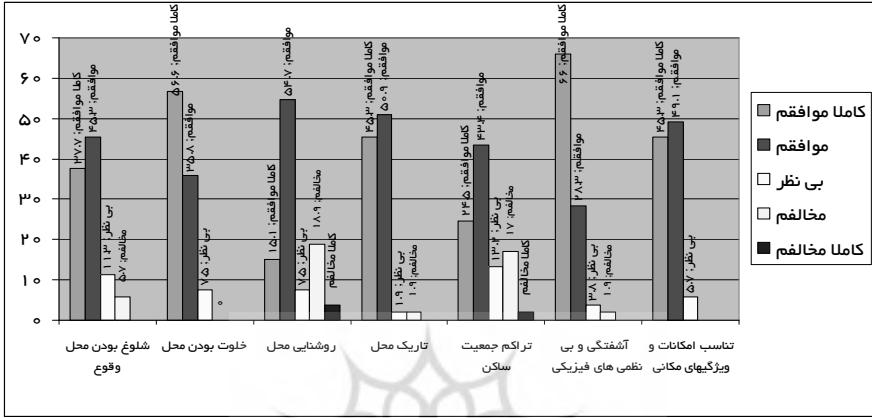
- محدوده سنوات خدمتی کارکنان بین گروه سنی زیر ۵ سال تا ۳۰ سال می‌باشد که بالاترین سنوات خدمتی مربوط به گروه سنی ۱۰-۶ (معادل ۲۶/۴ درصد) و کمترین آن مربوط به گروه سنی ۳۰-۲۶ (معادل ۷/۵ درصد) است.

آزمون فرضیات

برای تحلیل توصیفی فرضیه‌ها، ابتدا گزینه‌های سؤال‌های پرسشنامه به دو طبقه تقسیم‌بندی شده، به طوری که گزینه‌های کاملاً موافقم و موافقم به طبقه اول و

گزینه‌های بی‌نظر و کاملاً مخالفم به طبقه دوم تقسیم‌بندی شده‌اند و سپس آمار توصیفی برای فرضیه‌ها و سؤال‌های مربوطه اجرا شده است.

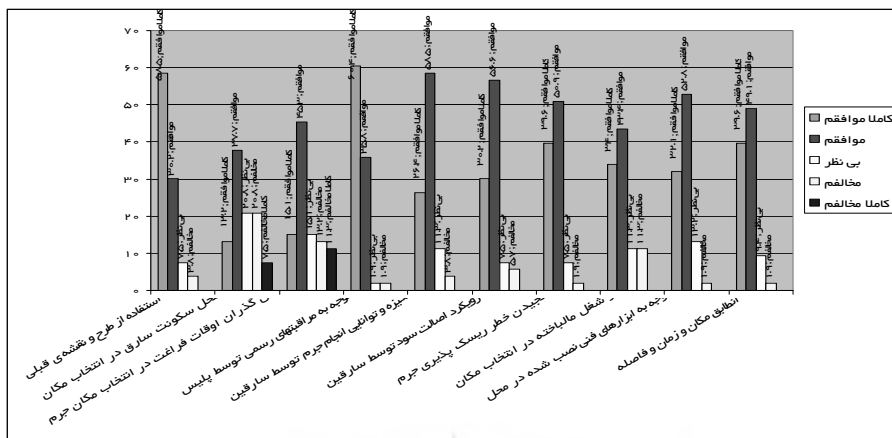
الف) تحلیل فرضیه اول: بین شرایط محیطی محل وقوع و انتخاب مکان جرم از سوی سارقین رابطه وجود دارد.



نمودار درصد فراوانی شاخص‌های فرضیه اول

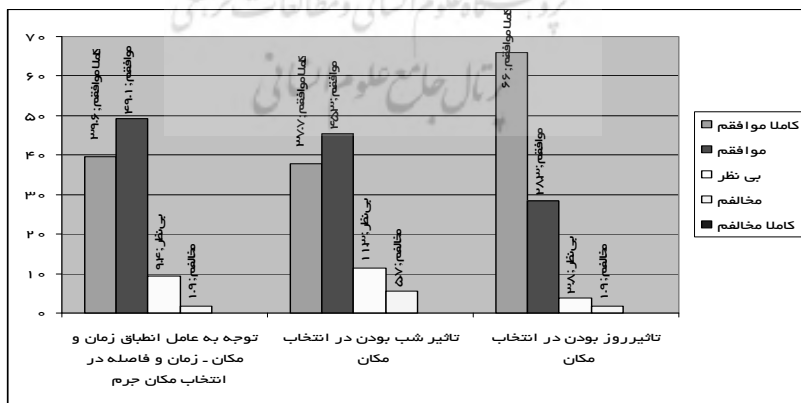
با توجه به نمودار بالا، مشخص می‌شود که میزان موافقت‌های به دست آمده با شاخص‌های فرضیه اول (با میانگین ۸۵/۵ درصد) بیشتر از میزان مخالفت‌های مربوطه (با میانگین ۱۴/۵ درصد) می‌باشد. بنابراین نتیجه می‌گیریم که فرضیه اول تایید می‌شود، یعنی بین شرایط محیطی محل وقوع جرم و انتخاب مکان از سوی سارقین رابطه وجود دارد.

ب) تحلیل فرضیه دوم: بین طرح و نقشه‌های قبلی سارقین و انتخاب مکان جرم از سوی آنان رابطه وجود دارد.



نمودار درصد فراوانی شاخص‌های فرضیه دوم

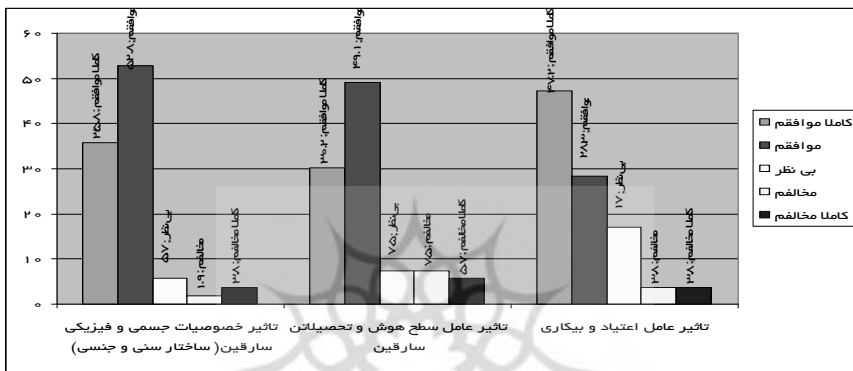
با توجه به نمودار بالا، مشخص می‌شود که میزان موافقت‌های به دست آمده با شاخص‌های فرضیه دوم (با میانگین ۸۱ درصد) بیشتر از میزان مخالفت‌های مربوطه (با میانگین ۱۹ درصد) می‌باشد. بنابراین نتیجه می‌گیریم که فرضیه دوم تایید می‌شود، یعنی بین طرح و نقشه‌های قبلی سارقین و انتخاب مکان جرم از سوی آنان رابطه وجود دارد. (ج) تحلیل فرضیه سوم: بین موقعیت زمانی ارتکاب جرم و انتخاب مکان رابطه وجود دارد.



نمودار درصد فراوانی شاخصهای فرضیه سوم

با توجه به نمودار بالا، مشخص می‌شود که میزان موافقت‌های به دست آمده با شاخص‌های فرضیه سوم (با میانگین ۸۸/۷ درصد) بیشتر از میزان مخالفت‌های مربوطه (با میانگین ۱۱/۳ درصد) می‌باشد. بنابراین نتیجه می‌گیریم که فرضیه سوم تایید می‌شود، یعنی بین موقعیت زمانی ارتکاب جرم و انتخاب مکان رابطه وجود دارد.

(د) تحلیل فرضیه چهارم: بین خصوصیات و ویژگی‌های فردی سارقین و نحوه انتخاب مکان جرم رابطه وجود دارد.



نمودار درصد فراوانی شاخص‌های فرضیه چهارم

با توجه به نمودار بالا، مشخص می‌شود که میزان موافقت‌های به دست آمده با شاخص‌های فرضیه چهارم (با میانگین ۸۱/۱ درصد) بیشتر از میزان مخالفت‌های مربوطه (با میانگین ۱۸/۹ درصد) می‌باشد. بنابراین نتیجه می‌گیریم که فرضیه چهارم تایید می‌شود، یعنی بین خصوصیات و ویژگی‌های فردی سارقین و نحوه انتخاب مکان جرم رابطه وجود دارد.

نتیجه‌گیری

در فرضیه اول، شاخص تاریکی از جمله عواملی است که می‌تواند به شدت از کنترل اجتماعی بکاهد، این امر موجب می‌شود تا احتمال وقوع برخی جرایم بیشتر شود. سرقت منزل بیشتر در تاریکی رخ می‌دهد و ارتباط معنی‌داری با میزان روشنایی محل دارد. جرم سرقت بیشتر از آنکه متکی به تاریکی باشد، به عامل خلوتی و دنج بودن محل نیازمند است. در این پژوهش حدود ۵۰ درصد از سارقین مکان سرقت خود را دارای

ویژگی خلوت اعلام داشته‌اند. بی شک در محیطی که نور کافی برای دیدن بهتر افراد و دیده شدن افراد ناشناس فراهم است، نظارت‌های اجتماعی و مراقبت طبیعی محیط مانع بروز بسیاری از جرایم می‌شود. بنابراین با اصلاحات و طراحی محیط مکان‌های خلوت از طریق افزایش مکان‌های فعالیت‌زا و امکاناتی که باعث جذب افراد و ایجاد فعالیت می‌شوند، می‌توان نسبت به بالا بردن تراکم جمعیت اقدام کرد و ضمن کمک به کاهش فرصت‌های جرم، امکان تردد شهروندان را در این گونه فضاها فراهم کرد. همچنین آشفته‌گی و بی‌نظمی‌های فیزیکی یک مکان به دلیل فقدان کاربری‌ها و عملکردهای نامناسب یا طراحی راهبردی نور، مکان‌های جاذب جرم و رها شده‌ای هستند که مورد استفاده غالب مردم قرار نمی‌گیرد و ممکن است به لحاظ عدم مراقبت طبیعی در این گونه مکان‌ها، امکان انجام اقدامات بزهکارانه توسط مجرمان فراهم شود.

در فرضیه دوم، شاخص چهارم (توجه به مراقبت‌های رسمی توسط پلیس در انتخاب مکان ارتکاب) معادل ۹۶/۲ درصد به لحاظ بیشترین میزان موافقت در اولویت اول قرار داشته و شاخص دوم (تأثیر نزدیکی محل سکونت سارقین در انتخاب مکان جرم) معادل ۵۰/۹ درصد در اولویت آخر به لحاظ تأثیرگذاری بر انتخاب مکان جرم قرار دارد. بنابراین سارقان اغلب در نقاطی مرتکب جرم می‌شوند که احتمال حضور گشت‌های نیروی انتظامی کمتر باشد، توزیع و مکان‌یابی این گونه مکان‌ها در سطح شهر و همچنین پوشش‌دهی نیروهای انتظامی در سطح حوزه استحفاظی، عامل مهمی در کاهش جرایم است.

بر اساس نظریه انتخاب منطقی یا گزینش عقلایی که ابتدا توسط کلارک به سال ۱۹۸۶ مطرح شد، سارقین معمولاً قبل از انجام اعمال مجرمانه تمامی جوانب امر و اقدامات احتیاطی را فرار یا مخفی شدن در نظر گرفته و با یک محاسبه سود و زیان در صورتی که منافع حاصله از انجام فعل یا ترک فعل بزهکارانه برای آنان از میزان خطر و مجازات اعمال ارتكابی بیشتر باشد، به ارتکاب جرم سرقت مبادرت می‌ورزند. بنابراین سارقین اولاً مکان‌هایی را برای انجام اعمال غیر قانونی خود انتخاب می‌کنند که امکان شناسایی شدن، تعیین هویت و دستگیری توسط مأمورین یا مردم در حد بسیار پایینی باشد و در صورت ضرورت نیز بتوانند خود را با استفاده از امکانات محل وقوع جرم که یکی از مهمترین متغیرهای مؤثر بر میزان خطر پذیری بزهکار می‌باشد، به‌منظور فرار یا

اختفاء خود به راحتی استفاده کنند.

در فرضیه سوم، شاخص دوم (انتخاب محل سرقت در روز) معادل $94/3$ درصد به لحاظ بیشترین میزان موافقت در اولویت اول قرار داشته و شاخص سوم (انتخاب محل سرقت در شب) معادل 83 درصد در اولویت آخر به لحاظ تأثیر گذاری بر انتخاب مکان جرم قرار دارد. بنابراین پاسخ دهندگان، علت اصلی انتخاب محل مورد نظر برای سرقت در شب را به خصوص اوایل شب (غروب آفتاب تا ساعت یک بامداد)، دید و بازدیدها و شب نشینی‌های طولانی خویشاوندی عنوان کرده‌اند.

بر اساس نظریه فعالیت‌های روزانه، مکان و زمان در این نظریه شرط لازم و اساسی است که همگرایی مجرم و هدف در یک مکان و زمان مشخص و در نهایت، عدم حضور کنترل کنندگان یا ناظران باعث بروز جرایم خاص می‌شود. بر اساس این نظریه در بستر مکان و با وجود شرایط زیر، ارتکاب جرم تسهیل می‌شود، یکی از طریق خصوصیات فیزیکی مکان از جمله کمبود ظرفیت‌های کنترل اجتماعی و دیگر تحت تأثیر فعالیت‌های روزانه و رفتارهایی که مردم از خود بروز می‌دهند. در واقع افراد اجتماع در حین انجام فعالیت‌های روزانه، فرصت‌هایی را برای ارتکاب جرم پدید می‌آورند یا به عبارتی فرصت‌هایی را برای انجام اعمال مجرمانه به مجرمین می‌دهند. طبق این نظریه، توزیع زمانی جرم در ساعات شبانه روز و روزهای هفته متغیر می‌باشد.

در فرضیه چهارم بر اساس نظریه ترکیبی جرم که بر متغیرهای اجتماعی و فردی مجرمین از قبیل؛ جنس، سن، قومیت، نژاد، خانواده، شرایط اجتماعی محل سکونت مجرمین و... تاکید می‌کند، خصوصیات اجتماعی و فردی شخص مجرم بررسی می‌شود و به شرایط محیط پیرامون مجرم توجهی نمی‌شود. بر اساس دیدگاه ترکیبی، دولت‌ها با تکیه بر خدمات آموزشی و اجتماعی، می‌توانند رفتار مجرمین را مهار کنند. همچنین با سیاست گذاری‌های دقیق قضایی و کیفری، می‌توانند از وقوع جرایم جلوگیری کنند. همچنین باید به نقش عامل بیکاری افراد و سهم بسیار مهم آن در گرایش به سرقت و جرم پاسخگویان توجه داشت. البته بعضی از مشاغل در سطح پایین را نیز می‌توان از عوامل مؤثر در گرایش به سرقت به شمار آورد.

با عنایت به موارد مطروحه فوق نتیجه می‌گیریم که فرضیه سوم (شاخص موقعیت زمانی ارتکاب جرم) در اولویت اول با میانگین $88/6$ ، فرضیه اول (شاخص شرایط

محیطی محل ارتکاب جرم) در اولویت دوم با میانگین ۸۵/۵، فرضیه چهارم (شاخص خصوصیات و ویژگی‌های فردی سارقین) در اولویت سوم با میانگین ۸۱/۳ و فرضیه دوم (شاخص طرح و نقشه‌های قبلی سارقین) در اولویت چهارم با میانگین ۸۰/۹ قرار دارند.

پیشنهادها

الف) پیشگیری از جرم از طریق طراحی و برنامه‌ریزی محیطی و مدیریت مناسب محیط فیزیکی توسط معماران و طراحان شهری شامل:

۱- افزایش روشنایی داخل خیابان‌ها (مثلاً چراغ‌های خیابانی) یا مردم (مثلاً نگهبان) در مناطق راهبردی و مسکونی به‌منظور نظارت بر فعالیت‌های مجرمانه.

۲- تغییر در محیط فیزیکی برای بهبود در امر مشاهده رفتارهای مشکوک یا خود جرم، به عبارتی افزایش دید بصری به‌ویژه در مجتمع‌های آپارتمانی.

۳- دشوار کردن ارتکاب جرم از طریق ایجاد موانع و سد در مناطق هدف و آماج جرم.

۴- از بین بردن آشفتگی‌ها و بی‌نظمی‌های فیزیکی یک مکان در سطح شهر مثل محله‌های کثیف و پر آشغال، ساختمان‌های مخروبه و نیمه کاره و دیوارهای ترک خورده.

۵- پیشگیری از طریق کاهش منافع ارتکاب جرم.

ب) ایجاد و افزایش فعالیت گشت‌های انتظامی و تخصصی پلیس آگاهی در مناطق جرم‌خیز شهری با تاکتیک‌ها و برنامه زمان‌بندی نامنظم در طول ایام هفته، ماه و سال.

ج) نصب و استفاده از ابزارهای الکترونیکی از قبیل دزدگیر، دوربین‌های مداربسته و... در اماکن مسکونی.

د) ایجاد برنامه‌های آموزشی تلویزیونی و فیلم، تراکت و لوح‌های فشرده مرتبط با هشدارهای پلیسی.

ه) توجه خاص به خصوصیات و ویژگی‌های فردی سارقین و تأثیر آن در انتخاب مکان جرم، شامل:

۱- ایجاد یک سیستم کنترل از طریق نیروی انتظامی برای سارقان، پس از رهایی زندان

که مدت و چگونگی آن به ویژگی‌های فرد و زمان اصلاح وی بستگی دارد.

۲- ایجاد اشتغال و از بین بردن بیکاری در سطح جامعه.

۳- سرمایه‌گذاری در زمینه کاهش اعتیاد و ایجاد محدودیت برای معتادان که این موضوع در تکرار سرقت فرد مؤثر است.

۴- اقدام فرهنگی و کنترلی برای آن دسته از سارقانی که سرقت و تکرار آن را مایه افتخار دانسته و اصرار زیادی برای ادامه آن دارند.

منابع

- توکلی، مهدی. (۱۳۸۴). شناسایی و تحلیل کانون‌های جرم خیز زنجان با استفاده از GIS. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علوم انتظامی امین.
- بیلی، دیوید (۱۳۷۹). پلیس آینده. ترجمه غلامرضا زندی، تهران: معاونت آموزش ناجا.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: انتشارات سمت.
- جعفریان، محمد حسن (۱۳۸۶). تقریرات درسی جغرافیای جرم. پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم انتظامی امین.
- ستوده، هدایت‌ا... (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آوای نو.
- صارمی، امین (۱۳۸۵). روش تحقیق در علوم انتظامی. تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- کردلو، جعفر (۱۳۸۶). برنامه‌ریزی و کاربری اراضی شهری در پیشگیری از وقوع جرم سرقت ابهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علوم انتظامی امین.
- گل محمدی خامنه، علی (۱۳۸۶). مدیریت پیشگیری از جرایم. تهران: دانشگاه علوم انتظامی امین.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۲). حقوق جزای اختصاصی. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی. جلد اول، چاپ نهم، تهران: انتشارات سپهر.
- محمد نسل، غلامرضا (۱۳۸۶). اصول و مبانی نظریه فرصت جرم. فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۷ و شماره ۳، صص ۳۲۰-۲۹۳.

- نجفی علمی، مرتضی (۱۳۸۲). بررسی علل تکرار سرقت. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده فرماندهی و ستاد، دانشگاه علوم انتظامی امین.

- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۷۹). پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی. نشریه امنیت وزارت کشور، سال چهارم، شماره ۲۰ و ۱۹.

- ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۹). حقوق جزای اختصاصی. جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- Clark , R, (1997) , Situational Crime Prevention: Successful case studies and edition , Harrow and Hoston , Newyork.

- Sherman , L. W and Gartin , P. R and Burger , M.(1989) , Hotspots of predatory Crime , Routine Activities and The Criminology of place.

- Roso.(2002) , crime and Place , National Institue of justice(NIJ). fram the world wide web:htt6-Cohen , L. and M.Felson.(1979) Social Change and Crime Rate Trends: A Routine Activity approach , American sociological Review. Vo144.

- Cohen , L. and M.Felson.(2000) Social Change and Crime Rate Trends: A Routine Activity approach , American sociological Review. Vo144

